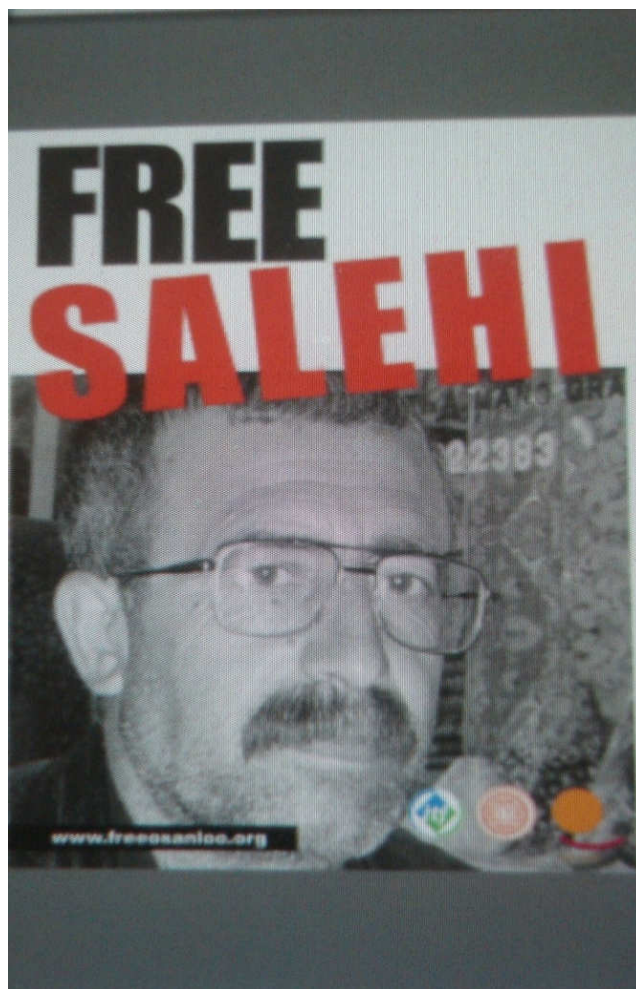


# من مرگ را سرودی کردم

زندگی و مبارزه محمود صالحی



به کوشش: بهرام رحمانی

# \* من مرگ را سرودی کردم

زندگی و مبارزه محمود صالحی

\* به کوشش: بهرام رحمانی

\* ناشر: کتاب ارزان

\* تاریخ چاپ: شهریور ۱۳۸۹ - سپتامبر ۲۰۱۰

\* طرح روی جلد: آفیش تبلیغی کنفدراسیون‌های کارگری بین‌المللی برای آزادی محمود صالحی

ISBN: ۹۷۸-۹۱-۸۶۰۶۵-۴۷-۸

## Of the death I made a hymn (The life and struggle Mahmoud Salehi)

By: Bahram Rahmani

Frits edition ۲۰۱۰

Kitab-I Arzan

Helsingforsgatan ۱۵

۱۶۴ ۷۸ Kista - Sweden

۰۰۴۶ ۸ ۷۵۲ ۷۷ ۰۹

[Info@arzan.se](mailto:Info@arzan.se)

آدرس نویسنده:

Bahram Rahmani

Bamdad

Box ۵۲۳

۱۰۱ ۳۰ Stockholm – Sweden

[bamdadapress@ownit.nu](mailto:bamdadapress@ownit.nu)

## فهرست

### مقدمه

۵

### فصل اول

- ۱۵ - بیوگرافی محمود صالحی
- دیدار محمود صالحی و محسن حکیمی با هیات کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری
- ۱۸ - روز جهانی کارگر در شهر سقز و وقایع پس از آن
- ۱۹ - آزادی دستگیرشدگان و سیاست‌گذاری
- ۲۱ - ادامه تهدید و احضار و دادگاهی آزادشدگان و تلاش‌های گسترده برای لغو احکام صادره علیه آن‌ها
- ۲۶ - پروسه تشکیل «کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه می»
- ۳۷ - تلاش‌های کنفدراسیون‌های کارگری بین‌المللی برای آزادی دستگیرشدگان سقز
- ۴۳

### فصل دوم

- ۵۵ - دستگیری مجدد محمود صالحی
- ۵۷ - تلاش‌های بی‌وقفه نجیبه صالح‌زاده، برای آزادی محمود
- ۶۴ - تلاش‌های سامرند صالحی، برای آزادی محمود صالحی
- مبارزه گروه‌های مردمی، نهادهای دمکراتیک و تشکل‌های مستقل کارگری برای آزادی محمود
- ۶۶ - فعالیت‌های «کمیته دفاع از محمود از دستگیرشدگان سقز»
- ۷۲ - تشدید بیماری کلیوی محمود و جلوگیری از معالجه او
- ۷۴ - طرح ترور دو تن از دستگیرشدگان اول ماه می سقز
- ۸۳ - اعتصاب غذای محمود صالحی در زندان
- ۹۷ - گفتگوهایی با محمد شریف، وکیل محمود صالحی
- ۱۰۰ - گفتگو با مسعود باستانی، روزنامه‌نگار در تهران
- ۱۰۲ - تجمعات اعتراضی برای آزادی محمود در سنندج
- ۱۰۴

### فصل سوم

- نامه‌های اعتراضی رهبران تشکل‌های کارگری بین‌المللی
- ۱۰۸ - به سران حکومت اسلامی
- تلاش احزاب سیاسی چپ کشورهای غربی برای آزادی محمود صالحی
- ۱۱۹

- ۱۲۲ - کمپین‌های بین‌المللی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو
- نمونه‌هایی از کمپین‌ها و اطلاعیه‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی،
- تشکل‌های مدافع کارگری و اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران
- ۱۵۶ برای آزادی محمود صالحی

### فصل چهارم

- ۱۶۱ مواضع و باورهای سیاسی و اجتماعی محمود:
- ۱۶۲ - مقالات
- ۱۸۸ - سخن‌رانی‌ها
- ۱۹۸ - گفتگوها
- ۲۳۲ - پیام‌ها
- ۲۶۶ - مکاتبات محمود با رهبران کنفدراسیون‌های کارگری جهان

### فصل پنجم

- گزارش سازمان بین‌المللی (ILO) درباره دستگیرشدگان
- ۲۶۱ سقز و جنبش کارگری ایران

### فصل ششم

- یادها و خاطره‌ها
- ۳۰۹ - سامان رسول‌پور
- ۳۱۱ - اسماعیل خودکام
- ۳۱۲ - م. مسافر
- ۳۱۴ - محمد عبدی‌پور
- ۳۱۴ - محمد عبدی‌پور و محمود صالحی
- ۳۱۶ - مریم محسنی
- ۳۱۷ - بهروز خباز
- ۳۱۹ - هیوا سهامی
- ۳۲۲ - گفتگو با محمد عبدی‌پور درباره آخرین وضعیت جسمی محمود صالحی
- ۳۲۴ - منوچهر رادین

### فصل هفتم

- چند گفتگو و مقاله از: بهرام رحمانی
- ۳۲۷ - گفتگوی سایت دیدگاه با بهرام رحمانی
- ۳۳۱ - گفتگوی نشریه اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران
- ۳۳۹ - از سلسله گفتگوهای گزارشگران...
- ۳۴۶ - آزادی کارگران زندانی گامی دیگر در جهت تحکیم جنبش کارگری!
- ۳۴۹ - سفر آلکساندر ژاریکوف دبیرکل WFTU به ایران
- ۳۵۱ - از «کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه می» حمایت کنیم!
- ۳۵۳ - اول ماه می و وظایف کارگران پیشرو و کمونیست!
- ۳۵۷ - تشکل مستقل کارگری و چشم‌انداز آن
- ۳۶۰ - احکام دادگاه تفتیش عقاید جمهوری اسلامی علیه کارگران لغو باید گردد!
- ۳۶۴ - تلاش برای لغو احکام دادگاه انقلاب اسلامی سقز و تشکل‌یابی کارگران!
- ۳۶۸ - خانه کارگر و دبیرکل آن دشمن کارگران‌اند!

- ۳۷۳ - در حمایت از مبارزه کارگران شرکت واحد!
- ۳۷۶ - به کمپین آزادی محمود صالحی بپیوندید!
- ۳۸۳ - گام عملی جنبش دانشجویی برای حمایت از جنبش کارگری
- ۳۸۹ - کمپین آزادی محمود صالحی در دانشگاه‌های ایران
- ۳۹۲ - فعالیت‌های اپوزیسیون حکومت اسلامی در خارج کشور
- ۳۹۸ - آزادی محمود صالحی را تبریک می‌گوییم!
  
- ۴۰۸ موخره
  
- ۴۱۶ از نگاه دوربین
  
- ۴۳۰ بیوگرافی کوتاهی از محمود صالحی به زبان انگلیسی

## مقدمه

### بخشی از مقدمه کتاب «من مرگ را سرودی کردم»:

«نام محمود صالحی در افت و خیزهای جنبش کارگری ایران، به ویژه از سال ۱۳۸۳، نه تنها نام آشنایی برای کارگران و نهادها و سازمان‌ها و احزاب ایرانی، بلکه برای تشکلهای و سازمان‌ها و احزاب چپ جهانی نیز نام آشنایی است.

انقلاب بهمن ۱۳۵۷، گرچه یک فرصت تاریخی نوین را پیش روی طبقه کارگر ایران گشود، اما کارگران به دلیل عدم وجود تشکلات توده‌ای قدرت‌مند خود و فقدان وجود گرایش کمونیستی روشن-بین، نتوانستند آلترناتیو طبقاتی خود را در جامعه حاکم کنند. فعالین جنبش کارگری و کمونیستی توسط حکومت سرمایه‌داری اسلامی سرکوب شدند. تعداد قابل توجهی از آنها زندانی و اعدام گشتند و تعدادی هم مجبور به ترک ایران شدند. فعالیت سازمان‌های سیاسی مخالف حکومت ممنوع شد و تشکلهای کارگری منحل گردید. اختناق و سرکوب خونین، این بار توسط حکومت سرمایه‌داری اسلامی، تمام جامعه را فرا گرفت.

خمینی، رهبر و بنیان‌گذار حکومت اسلامی، از همان ابتدا سعی کرد با «کارگر» خواندن «خدا»، طبقه کارگر و مطالبات ویژه آن، از جمله اول ماه می را حذف کند. اما اعتراض و مبارزه پیگیر کارگران، سرانجام حکومت اسلامی را مجبور کرد، که در قانون کار (ماده شصت و سه) روز اول می را به عنوان روز کارگر و همچنین تعطیلی این روز را (از سال ۱۳۶۹ با تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی) به رسمیت بشناسد. از این دوره به بعد، حکومت اسلامی که در تعطیل نکردن مراسم اول می موفق نشده بود، تلاش کرد روز جهانی جهانی کارگران را از مضمون و محتوا سیاسی-طبقاتی‌اش تهی سازد و به مراسم دفاع و طرفداری از خود تبدیل کند. از این رو، تحریم مراسم دولتی و برگزاری مراسم مستقل، یک هدف اصلی مبارزه کارگران ایران در اول می در تمام این سال‌ها بوده است.

محمود صالحی، نوجوانی بود که در انقلاب ۱۳۵۷ فعالانه شرکت داشت به همین دلیل در طول سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، حدود هشت سال از زندگی خود را در زندان گذرانده است. محمود، با سازمان‌دهی‌ها، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها (به ویژه در مراسم روز جهانی کارگر) و با مواضع رادیکال و مقاومتش در زندان‌ها معروف است.

نوشته‌ها و فعالیت‌های محمود صالحی بیش از هر چیز او را به عنوان یک چهره محبوب و دوست-داشتنی و صادق و رکگو کارگری مبدل کرده است. سرگذشت او، دوره‌ای سپری شده نیست؛ بلکه طرح مسایل کارگری که او در طول سال‌های طولانی تجربه کرده است بی‌شک برای نیروهای جوان سیاسی و به ویژه کارگران و فعالین سیاسی چپ در آینده نیز آموزنده است.

رویداد سقز و تهدید و ارباب دستگیرشدگان روز جهانی کارگر در این شهر، دو دوره متفاوت حاکمیت جمهوری اسلامی را در برمی‌گیرد؛ یعنی، دوره‌ای که جناح اصلاح‌طلبان حکومت در راس قدرت بود و هم در دوره‌ای که اصول‌گرایان قدرت را گرفتند و هنوز هم در قدرت هستند. در هیچ-کدام از این دوره‌ها، کمترین بهبودی در زیست و زندگی و سطح دست‌مزد و آزادی مبارزه کارگران به وجود نیامد. در هشت سال ریاست جمهوری محمد خاتمی و همچنین در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، برخوردهای سرکوب‌گرانه و تحمیل بی‌حقوقی‌های فراوان بر کارگران در جریان بوده و تفاوت چندانی در برخورد حاکمیت به جنبش کارگری و تهدید و فشار بر فعالین کارگری دیده نمی-شود.

بنابراین، سرمایه‌داران و حکومت حامی سرمایه، با وجود رقابت‌ها و کشمکش‌های جناحی‌شان در استثمار هر چه شدیدتر نیروی کار و سرکوب جنبش کارگری و همچنین دیگر جنبش‌های برابری‌طلب

و عدالت‌جو چون جنبش زنان، جنبش دانشجویی و روشنفکران یک نوع منافع مشترک سیاسی- طبقاتی را دنبال می‌کنند.

در بیش از سه دهه حاکمیت حکومت اسلامی، یعنی در دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر، ریاست جمهوری خامنه‌ای و نخست وزیری میرحسین موسوی، ریاست جمهوری رفسنجانی، ریاست جمهوری خاتمی و اکنون در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، همواره طبقه کارگر زیر شدیدترین سرکوب‌ها و بی‌رحمی‌ها قرار داشته است. اما با وجود این همه سرکوب سیاسی و فقر و فلاکت اقتصادی، هیچ دوره‌ای فعالین کارگری از مبارزه بر حق خود دست نکشیده‌اند و همچنان به مبارزه خود در راه آزادی بیان، تشکل و اعتصاب و دیگر مطالبات‌شان پافشاری می‌کنند.

در این سال‌ها، با وجود این که قوانین حکومت اسلامی هیچ‌گونه آزادی فردی و جمعی را به رسمیت نشناخته است، سالانه صدها اعتصاب و اعتراض کارگری برگزار می‌شود و فعالین کارگری با شناخت از قدرت همبستگی کارگری در اتحاد و مبارزه متشکل علیه مناسبات سرمایه‌داری، از تلاش بی‌وقفه برای برپایی تشکل‌های مستقل طبقاتی‌شان دست برنمی‌دارند. اگر کارگران ایران در سطح سراسری به خواست‌ها و مطالبات خود برسند، بی‌شک فعالین دیگر جنبش‌های اجتماعی نیز در پیکار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی خود به مطالبات‌شان خواهند رسید.

یکی از عرصه‌های مهمی که در سطح سراسری و اجتماعی طبقه حاکمه را مجبور می‌کند به آزادی فردی و اجتماعی گردن بگذارد، مبارزه پیگیر کارگران برای حقوق طبقاتی خویش است. اگر کارگران بتوانند حق آزادی بیان، قلم، تشکل و اعتصاب بگیرند، قطعاً این قوانین شامل حال همه اقدار جامعه نیز می‌شود و دولت مجبور است به خواست‌های همه آنان گردن بگذارد. از این‌رو، تقویت جنبش کارگری، به سود اکثریت شهروندان جامعه و مزدبگیران است.

در کشوری چون ایران کنونی که همه قوانین آن، از جمله قانون کارش ضدکارگری و ضدانسانی است و کارگر حتا برای دریافت دست‌مزد به خور و نمیری که با کارفرما بر سر آن توافق کرده است باید دست به اعتراض و اعتصاب بزند و با تهاجم نیروهای سرکوبگر نیز روبرو شود، آزادی بیان، حق تشکل و اعتصاب جایگاه ویژه‌تری پیدا می‌کند.

تشکل کارگری، مهم‌ترین ابزار طبقه کارگر در مقابل طبقه حاکمه است. تشکل کارگری، امر متشکل کردن توده کارگران، آموزش آن‌ها، هدایت اعتصاب و نمایندگی کردن کارگران در اعتصاب و اعتراض و مذاکره با کارفرما و نمایندگان دولت و همچنین نقش بازرسی و نمایندگی کردن کارگران در امر پیش‌برد قانون کار و نظارت بر آن را به عهده دارد.

تشکل کارگری باید بتواند در قراردادهای کار، تعیین سطح دست‌مزدها در قبال کارفرما و دولت توده کارگران را نمایندگی کند. تشکل کارگری در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از موضع طبقه کارگر که یکی از طبقات اصلی جامعه است دخالت می‌کند و جانشین و بدیل طبقاتی خود را تبلیغ و ترویج می‌نماید. تشکل کارگری، نهایتاً باید به فکر واژگون کردن سیستم سرمایه‌داری و خلع ید دولتی از اقلیتی سرمایه‌دار، با هدف برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و بدون ستم و استعمار باشد.

بی‌شک در کشوری چون ایران، برای برپایی تشکل کارگری و هر نهاد مستقل دیگر، باید بهای زیادی پرداخت. رهبران و فعالین کارگری، همواره در جلو صحنه قرار می‌گیرند؛ چرا که، تشکل کارگری در خانه‌های تیمی و مخفیانه برپا نمی‌شود. تشکل کارگری، به شکل علنی و در سطح اجتماعی و با حضور مستقیم کارگران به وجود می‌آید تا توده کارگران با اتحاد و همبستگی و مبارزه پیگیر خود حق و حقوق‌شان را از سرمایه‌داران و دولت حامی آن بگیرند. بر این اساس، رهبران و فعالین کارگری آگاهانه و داوطلبانه بهای بیش‌تر می‌پردازند...»

«آخرین دستگیری محمود به این شکل بود که ظهر روز دوشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۸۶، تعدادی از افراد نیروهای انتظامی به محل کار او مراجعه کردند و وی را به بهانه این که دادستان می‌خواهد با او در خصوص روز جهانی کارگر صحبت کند با خود بردند. منشی اجرای احکام در یک دادگاه

چند دقیقه‌ای و به طور شفاهی حکم دادگاه تجدیدنظر استان مبنی بر محکومیت محمود صالحی به یک سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی را قرائت نمود و بی‌درنگ حکم بازداشت او را صادر کرد. محافظان سرمایه، محمود صالحی را بدون اطلاع خانواده‌اش و حضور وکیلش با سرعتی سرسام‌آور از شهر محل اقامت خود (سقز) دور کردند و بعد مشخص شد که وی را در زندان مرکزی شهر سنندج زندانی کرده‌اند.

محمود صالحی، علاوه بر این که از سنین کودکی ناچار به کارمزدی بوده و تمام عمرش را کارگری کرده است، در عین حال، با تمام توان در مقابل سرمایه‌داران ایستاده و حق خود و هم‌طبقه‌ای‌هایش را پیگیرانه طلب کرده است. از این‌رو، او و خانواده‌اش بخش زیادی از زندگی خود را در زیر تهدیدات عوامل حکومت اسلامی و در زندان‌ها و در زیر شکنجه‌گذرانده و با وجود بیماری و به ویژه ناراحتی شدید کلیه، همچنان محکم و استوار در مقابل سرکوب و ستم و استثمار سیستم سرمایه‌داری ایستاده است.

محمود صالحی، به عنوان یک کارگر ناوایی و آگاه به موقعیت طبقاتی خود، سالیان زیادی از عمرش را برای رسیدن به حقوق و مطالبات کارگران و مزدبگیران در مبارزه و تنگدستی‌گذرانده است. و از همین‌رو، او یکی از چهره‌های سرشناس جنبش کارگری ایران است که در راستای پیش‌برد امر مبارزات هم‌طبقه‌ای‌هایش بهای گزاف و آگانه‌ای پرداخت کرده است.

محمود صالحی، یکی از رهبران خوش‌نام، محبوب، پیگیر، مبارز، با نفوذ و فداکار کارگران ایران است. او به دلیل حضورش از کودکی در بازار کار و تجربیات گوناگونش در عرصه تشکلیابی و مبارزه جمعی، به خوبی با شیوه‌های استثمار و درد و رنج کارگران آشناست. او یکی از بنیان‌گذاران اصلی سندیکای کارگران خباز سقز، در دو دوره متفاوت است و در کنار هم‌رزم و همسرش نجیبه صالح‌زاده و دو فرزندشان سامرند و سیامند و پدر سال‌خورده‌اش محمد صالحی کار و زندگی می‌کند. متأسفانه چند ماه پیش محمود پدرش را از دست داد، یادش گرامی باد!

محمود صالحی، منتقد جدی و پیگیر مناسبات بی‌رحمانه سرمایه‌داری از نظر طبقه کارگر بوده و تنها هدفش تامین وضعیت بهتر و مناسب برای طبقه کارگر در منازعات دو طبقه موجود در جامعه و لغو کارمزدی و مالکیت خصوصی است. او ماهیت طبقاتی هر دو طبقه متخاصم موجود در جامعه را به خوبی می‌شناسد. همین شناخت از مناسبات موجود و داشتن مواضع انقلابی، او را به رهبری جسور، مقاوم و محبوب در میان کارگران تبدیل کرده است.

بر این اساس، دستگیری و زندانی کردن چندین باره محمود صالحی، از قبل توسط سرمایه‌داران و دولت حامی آن‌ها طرح‌ریزی شده است. حکومت اسلامی، او را خوب شناخته و می‌داند که شکستن او، یعنی شکستن کارگران و مرعوب کردن آن‌هاست. اما محمود همچنان مقاومت می‌کند. از این‌رو، مسئولان قضایی و امنیتی حکومت اسلامی، هر بار به بهانه‌ای محمود را دستگیر و زندانی و مورد محاکمه قرار داده‌اند. گاهی به اتهام فعالیت «علیه امنیت ملی»، یا «به خطر انداختن امنیت ملی»، هواداری از «کومه‌له- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران»، یا «اخلال در نظم جامعه» و غیره. اما محمود صالحی هر بار اتهامات وارده را قویاً رد کرده و از عهده بازجویان و قضات به خوبی برآمده است. اما او همیشه یک «جرم» ثابت داشته که هرگز آن را انکار نکرده است و آن هم دفاع بی‌وقفه‌اش از هم‌طبقه‌ای‌هایش و نقد مناسبات سرمایه‌داری. همیشه جرم مشخص او، دفاع از منافع طبقه کارگر و تلاش برای برگزاری اول ماه می روز جهانی کارگر و ۸ مارس روز جهانی زن و تلاش برای تشکلیابی کارگران بوده است. محمود مدافع سرسخت منافع کارگران، حقوق کودکان، زنان و متحد کردن کارگران و حرکت در مسیری است که زندگی شاد و شایسته‌ای برای کل بشریت به ارمغان می‌آورد.

محمود صالحی سازمان‌ده و سخنران اصلی مراسم اول ماه می در کردستان بوده است. سخنان او، همواره تازه‌گی دارد و شنونده را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو، سخنرانی‌های او، همواره با استقبال گرم مردم حاضر در این‌گونه جلسات قرار گرفته است. او، حتا در زندان نیز از فعالیت



طبقاتی خود دست نکشید به طوری که به کارگران زندان نیز کمک کرد تا با دست زدن به اعتصاب، حق خود را بگیرند.

محمود صالحی، در آخرین بار دستگیریش نیز فقط به خاطر برگزاری مراسم اول ماه می (روز جهانی کارگر) در شهر سقز و دفاع از آرمان‌های انسانی، اجتماعی و سیاسی خود و هم‌طبقه‌ای‌هایش یک سال حبس و شکنجه در زندان سنندج را با شهادت بی‌نظیری تحمل شد و با وجود وضع بد جسمانی، از این مرحله از مبارزه نیز همچون گذشته سرافراز و سربلند بیرون آمد.

باین ترتیب، وقتی که حتا هر ناظر بی‌طرف و واقع‌گرا درباره رویداد تاریخی اول ماه می سال ۱۳۸۳ شهر سقز و وقایع پس از آن به قضاوت می‌نشیند بی‌شک آن را یک نقطه عطف تاریخی مهم در جنبش کارگری ایران می‌داند. واقعه‌ای که سبب شد جنبش کارگری جهان، جنبش کارگری ایران را با همه ابعادش بشناسد و همبستگی وسیع خود با این جنبش و هم‌طبقه‌ای‌هایش در ایران را به زیباترین شکلی به نمایش بگذارد. مهم‌تر از همه، ماهیت ضدکارگری تشکلهای دست ساخته حکومت اسلامی چون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را نیز در نزد کارگران جهان برملا ساخت. طبیعتاً در همه لحظات این رویداد تاریخی، نقش برجسته و مهم محمود صالحی، قدم به قدم قابل مشاهده است. بنابراین، محمود صالحی، در اثر تلاش‌ها و مبارزات پیگیر طبقاتی خود، به چهره‌ای جهانی بدل شده است.

کمپین‌های بزرگی که برای آزادی دستگیرشدگان سقز و سپس به دنبال دستگیری مجدد محمود صالحی و همچنین منصور اسانلو در داخل و خارج کشور راه افتاد و من هم یکی از دست‌اندرکاران و سازمان‌دهندگان اصلی این کمپین‌های سراسری در خارج کشور بودم، از همان تاریخ، ضمن جمع‌آوری اسناد و مدارک این کمپین‌ها و تحلیل و بررسی موقعیت جنبش کارگری و تحولات و چشم‌انداز آن، همواره به این فکر بودم که چگونه و از چه راه دیگری می‌توان تقدیر کوچکی از محمود صالحی، همسر و هم‌رزمش نجیب و همچنین فرزندانش سامرند و سیامند به عمل آورد. آن هم در شرایطی که تجارب و دستاوردهای جنبش کارگری و به ویژه نقش رهبران وقت آن، جمع‌بندی نشده و متأسفانه در تاریخ ثبت نگردیده است. همین دلایل بود که مرا وادار کرد تا کتابی را که اکنون در مقابل شماست و عمدتاً به مبارزه و باورها و افکار سیاسی-طبقاتی محمود صالحی و همچنین خانواده و همفکران و هم‌طبقه‌ای‌هایش در جنبش کارگری ایران و جهان مربوط است را تدوین کنم. اما کارها و گرفتاری‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و غیره تاکنون مانع پیشرفت سریع این امر مهم بود. این کتاب، در عین حال، تا حدودی شرایط عمومی طبقه کارگر ایران را در این دوره، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. قطعاً نقد و قضاوت در مورد کم و کسری این کتاب، با خوانندگان علاقه‌مند است و من به نوبه خودم از هرگونه انتقاد سازنده استقبال می‌کنم...»

«هدف اصلی این کتاب، شناساندن هر چه بیش‌تر افکار و مبارزات و قهرمانی‌های محمود صالحی و از این منظر پرداختن به دوره‌ای از تاریخ مبارزاتی جنبش کارگری ایران بر علیه سیستم سرمایه‌داری و حکومت حامی سرمایه و ثبت تجارب و دستاوردهای دوره معینی از تاریخ جنبش کارگری ایران است. تجاربی که هر فعال جنبش کارگری و حتا جنبش زنان و جنبش دانشجویی با مطالعه آن‌ها ایده‌ها و انگیزه‌هایی می‌گیرد که در اثر سال‌ها مبارزه سیاسی کسب شده‌اند.

مهم‌ترین پرسش در مورد محمود صالحی این است که او، چرا بیش از هفت سال زندگی خود را در زندان‌های حکومت اسلامی گذرانده، اتهامش چه بوده است؟ تلاش من در تنظیم صفحه به صفحه این کتاب، از جمله پاسخ به این قبیل پرسش‌هاست.

تنها «جرم» محمود صالحی این است که او، به طور پیگیر و در شرایط گوناگون از حقوق خود و هم‌طبقه‌ای‌هایش بدون توجه به رنگ، پوست، ملیت، مذهب و جنسیت دفاع کرده است. دفاعی که برای سرمایه‌داران و حکومت حامی آن‌ها، نه تنها خوش‌آیند نیست؛ بلکه خطرناک نیز به شمار می‌آید.

امیدوارم این کتاب کمی از خستگی‌های درازمدت محمود صالحی و نجیب صالح‌زاده و سامرند و سیامند بکاهد. بنابراین محمود، تنها محمود این عزیزان نیست و محمود صالحی همه ستم‌دیدگان و

استثمارشدگان و مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم است که می‌خواهند با شهادت در مقابل زور و اجحاف سیستم سرمایه‌داری و حکومت حامی آن بایستند و نظم موجود را به نفع خود و کل جامعه تغییر دهند. ادامه راه محمود صالحی، راه مناسب و شایسته‌ای برای هر مبارز انقلابی است. الگویی که در همه زمینه‌های انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حرفی برای گفتن و صبر سرشاری برای شنیدن دارد و آدرس سرراستی نیز به همه عاشقان راه آزادی و برابری و عدالت اجتماعی می‌دهد. سرانجام آنچه که در این‌جا می‌آید با واقعیت‌های جامعه ایران بی‌گانه نیست. زیرا گشت و گذار هر فعال جنبش‌های اجتماعی جزئی از راه‌پیمایی بزرگ و درازمدت طبقه کارگر و مردم محروم و ستم‌دیده جامعه ایران است. اما متأسفانه اسناد مکتوب درباره تجارب فعالین و رهبران جنبش کارگری بسیار کم است. به این دلیل، این کتاب می‌تواند به عنوان تجربه مهمی از جنبش کارگری ایران و همبستگی بین‌المللی با این جنبش در یک دوره معین، به امر پیش‌برد مبارزه طبقاتی فعالین جنبش کارگری ایران یاری برساند.»